

تلویزیون

تلویزیون و پرسش‌های بی‌پاسخ



امین فرج پور

روزنامه‌نگار

سریال‌هایی که در چند هفته اخیر از تلویزیون پخش شده‌اند، بارزترین جلوه چیزی است که در ادبیات سینمایی ضعف فیلمنامه خوانده می‌شود؛ آسیبی که سالیان سال است از آن به‌عنوان بزرگترین مانع خلق آثار مانا در سینما و تلویزیون ما نام برده می‌شود.

در این چند وقت اخیر سریال‌های مرضیه، ترور خاموش و ستایش ۳ روی آنتن رفته است. سه سریالی که درباره هر کدام می‌توان طوماری از ایرادات و آسیب‌های بدیهی فیلمنامه‌ای ردیف کرد؛ اما به سباق همیشه که هر زمان پای انتقاد از محصولات رسانه ملی وسط می‌آید، مدیران با استناد به آمارهای صداوسیما که فلان سریال فلان درصد از بینندگان را راضی کرده، لب‌های منتقد را می‌دوزند، این سریال‌ها هم از نقد مصون مانده‌اند- که البته بخشی هم به این دلیل است که منتقد جدی چنین کارهایی را جدی نمی‌گیرد و روزنامه‌نویسی هم که در پوشش کار رسانه‌ای تبلیغات‌چی کم مزد و مواجب سلبریتی‌ها شده است، توان و سواد و میلی به انتقاد از کسانی ندارد که آب باریکه‌ای که به جیب می‌زند، حاصل سخاوت آنان است!

اما فارغ از نقد و منتقد و دلیل ضعف آثاری که به هر حال چکیده تلاش‌های تنها نهاد رسمی تولید آثار نمایشی برای عموم مردم است، پاسخ به این پرسش که «چگونه این آثار از چندین و چند شورا و کارگروه -و دیگر فیلترهایی که هر کدام از اعضایش فلان قدر حقوق می‌گیرند و به تنها وظیفه‌شان هم که جلوگیری از ورود و بروز چنین ایراداتی در آثار نمایشی است، عمل نمی‌کنند- رد می‌شوند» می‌تواند به شکل طعنه‌امیزی روشنگر باشد.

این اتفاق در حالی می‌افتد که آثار نویسندگان و فیلمسازانی که در تقسیم‌بندی‌های خودساخته جزو حلقه موهوم معتمدان سینما و تلویزیون نیستند، بارزبینی‌هایی‌گاه دیوانه‌کننده بررسی می‌شوند که نه تنها اثر را از مسیر اصلی و روح غایی خودش تهی می‌کند که گاه به شکل اندوه‌باری فقط و فقط به این دلیل طرح می‌شوند که صاحب اثر خارج از آن حلقه کذایی به هیچ طریق فرصتی برای تولید اثرش پیدا نکند.

به‌عنوان نویسنده‌ای که بارها و بارها این روند را تجربه کرده‌ام، می‌توانم به‌تأکید بگویم که تمام رزبینی‌ها و ایرادگیری‌ها و نیت‌خوانی‌های شوراهای مختلف صداوسیما زمانی که نوبت به آثار هنرمندان و نویسندگان مورد اعتماد می‌رسد، تبدیل می‌شود به تساهلی سهل‌انگارانه. این‌را خود بارها به چشم دیده‌ام که چگونه نویسنده‌ای که سریالی روی آنتن دارد و سریالی دیگر در مرحله پیش تولید، تنها براساس یک خلاصه چند خطی وعده تولید اثری دیگر را نیز می‌گیرد و هم‌زمان روی هر سه این سریال‌ها کار می‌کند -واقعا؟ انتظار ندارید این‌جا اسم طرف را بگویم که. هم‌زمان نویسنده‌ای دیگر با ده‌ها اصلاحیه و حذفیات رنگارنگ مواجه می‌شود و بعد از رفع آنها با نکات جدید شورایی دیگر، تا درنهایت آن‌چه بر جای می‌ماند یا شیرینی بی‌بال و دم و اشکم باشد و یا هنرمندی فرسوده که عطای کار را به لقای‌اش می‌بخشد و می‌رود در عرصه‌ای دیگر کار کند!

این‌ها همه به این دلیل گفته آمد که بگویم این همه آثار ملو از آسیب و ایراد و ضعف‌های ابتدایی در صورت بررسی منصفانه می‌توانستند راهی به رسانه ملی نیافته و آثاری دیگر با کیفیتی بسیار فراتر روی آنتن بروند -اگر کمی، فقط کمی دایره‌های بسته باز تر می‌شد.



در هر بار تمرین پناه‌گیری، در محل‌های امن پناه‌گیری کنید تا انجام این عمل در زمان وقوع زلزله، نیاز به صرف وقت نداشته باشد.

تقدیم به
رضارستمی

سه‌سال پیش بود که به‌ناگاه خبر در گذشت رضارستمی، خبرنگار باسابقه حوزه فرهنگ و هنر منتشر شد. مرگ ناہنگام او اهالی رسانه و فرهنگ و هنر را شوکه کرد. به گفته خانواده‌او، رضارستمی هم مانند عباس کیارستمی بر اثر خطای پزشکی در گذشت اوست. سومین سالمرگ رضارستمی هم‌زمان شده با آخرین ارکان نمایش فیلم مستند «میدان جوانان سابق» به کارگردانی مینا اکبری، روزنامه‌نگار قدیمی حوزه فرهنگ و هنر. مینا اکبری آخرین نمایش فیلمش را تقدیم کرده به رضارستمی. او در توییتش نوشته است: «آخرین نمایش فیلمم هم‌زمان شد با سالروز فقدان رضارستمی. به دلایل زیادی می‌خواهم آخرین نمایش را به او تقدیم کنم. از روزنامه‌نگار بودن رضای عزیز تا رفاقتم با همسرش و البته شباهت‌های دلیل مرگش با کیارستمی.» امروز ساعت ۱۷ اهالی رسانه در کنار هم به تماشای «میدان جوانان سابق» می‌نشینند و پس از پایان فیلم یاد همکار فقیدشان را گرامی می‌دارند.

راهکارهای برخورد با انتشار رایگان محتوای فرهنگی
در گفت و گو با کارشناسان بررسی شد

کی‌رایت یا فیلتر؟

- رئیس پلیس فتای تهران بزرگ: مجوزهای قانونی مقابله با سایت‌های دانهلود داده‌شود
- مدیر پیشین دفتر موسیقی ارشاد: پیوستن به کنوانسیون جهانی برن به صرفه نیست
- کیوان نقره کار، کارشناس آی تی: سرویس دهنده‌های قانونی، قیمت خدمات را کاهش دهند

نیره خادمی |مقابله با دانهلودهای رایگان و غیرقانونی فیلم و موسیقی از مدت‌ها پیش به یک رویا بدل شده است. از یک سو قانون کی‌رایت داخلی کارایی لازم را در برابر آن ندارد و از سوی دیگر تمایل نداشتن نهادهای رسمی برای پیوستن به کنوانسیون جهانی کی‌رایت کار را برای جلوگیری از انتشار محتوای فرهنگی سخت کرده است. در این شرایط صحبت‌های دیروز سردار وحیدمجید، رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا (فتا) درباره آمادگی پلیس برای مبارزه با دانهلودهای غیرقانونی موسیقی این سوال را به وجود آورد که توان مقابله با دانهلودهای غیرمجاز چگونه به وجود خواهد آمد؟

سردار وحیدمجید دیروز تنها از آمادگی این مجموعه برای برگزاری جلسات هم‌اندیشی با صنوف و کارشناسان مختلف حوزه موسیقی برای مقابله با موضوع دانهلودهای غیرقانونی خبر داده و به مهر گفته است که باید در این حوزه جرم‌نگاری شود. حرف‌های او فقط در حوزه موسیقی نیست و قطعاً به تمام حوزه‌های فرهنگی و هنری ارتباط پیدامی‌کند. دانهلود در حوزه فیلم، موسیقی، اپلیکیشن‌های موبایلی و نرم‌افزارها از سال‌ها پیش به رسمی عمومی تبدیل شده است که شاید مقابله با آن کار یک روز و دو روز نباشد. صحبت‌های سرهنگ توح کاظمی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با «شهروند» هم تقریباً گواه همین مطلب

شکایت تولید کنندگان محتوای فرهنگی فضا را برای سایت‌ها ناامن می‌کند



پیروز ارجمند

مدیر پیشین دفتر موسیقی وزارت ارشاد و کارشناس خبره دادگستری

مقابله با سایت‌های غیر قانونی دانهلود تا حدودی می‌تواند بازدارنده باشد، اما کافی نیست. یکی از راه‌های تأثیرگذار پرداخت حقوق مادی و معنوی هنرمندانی است که صداوسیما و سازمان‌ها و نهادهای مختلف مانند اپراتورهای همراه اول و ایرانسل از آثارشان استفاده می‌کنند. اما مشکل آنجاست که سرور بسیاری از این سایت‌ها در ایران نیست، بنابراین اگر فیلتر هم شوند همچنان در دسترس هستند. نکته دیگر این که پیگیری این اتفاق نیازمند استمرار است. پیشتر هم این موضوع پیگیری شد، اما به مرور به فراموشی سپرده شد و اکنون دوباره بحث آن مطرح شده است. نهادهای صنفی، پلیس و وزارت ارشاد اگر قرار است موضوع دانهلود غیر قانونی آثار فرهنگی را پیگیری کنند باید به‌عنوان برنامه‌ای بلندمدت در دستور کارشان باشد تا آن‌جا که فرهنگ استفاده از آن در میان مردم همه گیر شود. بی‌شک فرهنگ‌سازی مهمترین و تأثیرگذارترین بخش این ماجراست و نتایج بلندمدت‌تری نسبت به برخورد سلبی و انتظامی دارد. کسانی که موسیقی سنتی تولید می‌کنند امنیت حفظ آثارشان تضمین شده‌تر از کسانی است که تولیدکننده آثار موسیقی پاپ هستند، چرا که مخاطبان موسیقی سنتی فرهیخته‌تر از مخاطبان آثار سخیف هستند و بی‌شک این موارد را بیشتر رعایت می‌کنند، بنابراین فرهنگ‌سازی تأثیرگذار است. پیوستن به کنوانسیون برن و قانون کی‌رایت جهانی مستلزم پروتکل و وفاداری دوجانبه است. در صورت قبول این کنوانسیون مساله مجبور به پرداخت چندمیلیارد دلار هزینه کی‌رایت جهانی می‌شوم. با توجه به این که صادرات محصولات فرهنگی ما در مقایسه با واردات فرهنگی بسیار ناچیز است، باعث متضرر شدن ما می‌شود. اگر این اتفاق در قالب پروتکلی داخلی باشد مفیدتر است. مسأله اصلی این است که ما در اجرای قوانین مشکل داریم؛ به‌طور مثال بسیاری از سایت‌هایی که محتوای غیر قانونی موسیقی و فیلم را بارگذاری می‌کنند، توسط شرکت‌های

رسمی تهیه و تولید آثار حمایت می‌شوند؛ مثلاً شما در فرودگاه‌ها و بسیاری از مراکز عمومی مجموعه آثاری می‌بینید که در قالب سی دی و ام‌پی‌تری در بسته‌بندی‌های شکیل ارایه می‌شود. اهالی موسیقی و سینما هم می‌دانند و می‌بینند که حقوق‌شان پایمال می‌شود، اما صدای‌شان به جایی نمی‌رسد. بارها در زمان مسئولیت‌م در ارشاد این موارد را گزارش دادم، اما هیچ‌برخوردی با آنها نشد. بعدها فهمیدم بخشی از این موارد ریشه در شرکت‌های تولید آثار دارد. چون تولید آلبوم برای‌شان به‌صرفه نیست، آن‌را به صورت ام‌پی‌تری که فرمت قانونی ندارد، پخش می‌کنند. پلیس باید این موارد را پیگیری و با آنها برخورد قانونی کند، بنابراین پیوستن به کنوانسیون برن به سود ما نیست، چرا که سهم ما از بازار جهانی بسیار ناچیز است و این اتفاق باعث می‌شود افراد اندکی سود ببرند، اما چند ده هزار نفر از آن متضرر شوند. سازمان صداوسیما که بزرگترین مصرف‌کننده این محصولات است بیشتر از همه متضرر می‌شود؛ اتفاقی که برای شرکت‌های تکثیر بازی‌های رایانه‌ای و نرم‌افزار هم خواهد افتاد و با شکست و بحران جدی روبه‌رو می‌شوند. در آن‌صورت تعداد زیادی از مشاغل‌ای که به این واسطه ایجاد شده است هم از بین می‌رود. شاید این اخلاقی نباشد، اما واقعیتی است که در حال حاضر راهکاری برای آن وجود ندارد. درآمد سالانه در کشور ما به گونه‌ای نیست که بتوانیم سالی ۱۰ میلیارد تومان برای ویندوز اورجینال به شرکت مایکروسافت پرداخت کنیم. کی‌رایتی که اکنون در کشور به آن استناد می‌شود به پشتوانه تدوین قوانین داخلی سال ۱۳۴۵ است؛ قانونی که البته سال‌هاست بازنگری نشده است. این قانون هم هوشمندانه است و هم ضمانت اجرایی دارد. تولیدکنندگان محصولات فرهنگی به پشتوانه این قانون می‌توانند از سایت‌های انتشار محتوا شکایت کنند تا فضا را برای سایت‌ها ناامن کنند، اگر چه کمتر به سراغ آن می‌روند. یکی از دلایل شکایت نکردن آنها فوت وقت در جریان اطلاع‌دادرسی در پرونده‌هاست، ضمن این‌که بسیاری از مردم به دلیل آگاهی نداشتن سراغ دانهلود می‌روند و فرهنگ‌سازی درست و مستمر می‌تواند بخشی از این مشکل را حل کند.

چه باید کرد؟



کیوان نقره کار

کارشناس آی تی

نخستین موضوعی که در این زمینه باید مدنظر قرار دهیم این است که به جای کلمه غیرقانونی باید به سایت‌های

ارایه‌دهنده فیلم‌های ایرانی بگویم سایت‌های رایگان، چون قانون کی‌رایت نداریم، پس کار غیرقانونی در این سایت‌ها صورت نمی‌گیرد، چون این سایت‌ها بدون این‌که قانونی وجود داشته باشد، دانهلود رایگان انجام می‌دهند. اما این‌که آیا فیلترینگ در این زمینه جواب‌می‌دهد یا نه؛ پرسشی است که پاسخش بدیهی است. در تمام این سال‌ها ما فیلترینگ را در موارد مختلف در کشور امتحان کرده‌ایم، اما نتیجه‌ای به دست نیامده. چون مخاطبی که عادت کرده در یافت اطلاعات و استفاده رایگان از اپلیکیشن، این‌را یاد گرفته که چگونه سیستم را دور بزند. بنابراین فیلترینگ جز این‌که روی بی‌ان‌را روی کامپیوترها عادی کند- اتفاقی که قبلاً برای پیام‌رسان‌ها رخ داده و باعث شده تقریباً تمام کامپیوترها مجهز به وی‌بی‌ان شوند- دستور دیگری نخواهد داشت، مگر در این چند وقت اخیر بعد از فیلتر کردن سایت‌های فیلم و موسیقی به نتیجه رسیدیم که در ادامه نیز بتوانیم؟ برای موفقیت در این راه باید به مساله کلان کشور در حوزه قانون‌گذاری بپردازیم، که اگر این قانون را اصلاح کنیم، بدون این‌که نیاز به فیلتر باشد، می‌توانیم به دستورهای بیشتر و بهتری برسیم، در کل باید توجه داشت که اغلب روش‌های برخوردی و سلبی در طولانی‌مدت مثر نمی‌نست و نمی‌تواند تأثیرگذار باشد و بهتر است برویم سراغ مسائل فرهنگی و قانونی و در کنارش از سرویس دهنده‌هایی که به موازات این کار هزینه دریافت می‌کنند، بخواهیم با هزینه پایین‌تر خدماتشان را ارائه دهند، چون یکی از نگرانی‌هایی که وجود دارد این است که با فیلتر شدن سایت‌های رایگان، سایت‌های قانونی هزینه‌های خود را بالا ببرند. در کل در یک جمله می‌گویم که بر فرض محال اگر هم فیلتر این سایت‌ها الزامی است، این اتفاق باید به شرطی رخ دهد که نماوا و فیلم‌وو و بقیه باید با قیمت‌های مناسب خدماتشان را ارائه دهند و در کنار آن با فرهنگ‌سازی این معضل از ریشه حل شود، و گرنه این‌که بیایم فیلتر کنیم و سایت‌ها هم با از طریق وی‌بی‌ان یا با تغییر آدرس به کارشان ادامه دهند، دردی از سینما و موسیقی درمان نمی‌کند. اما این‌که آیا پیوستن به قانون کی‌رایت می‌تواند کمک‌کننده باشد یا نه؛ باید گفت که قانون کی‌رایت الزامات زیادی دارد و به دلیل تنوع موجود در این بحث نیاز دارد که چندین دستگاه کنار هم قرار بگیرند و در این مورد تصمیم بگیرند- که به نظر می‌رسد اهتمام لازم در این زمینه وجود ندارد. این یک روند زمانبر اما شدنی است، چون ابزارهایش را داریم. در صورت الزام، این قانون به راحتی با استفاده از زیرساخت‌های فناوری می‌شود برای آن قانون مجازات نوشت.

اشاره کرد و حسین علیزاده اما به ایرانیت او که فراتر از هنرش بود: «ایرانی‌تر از دهلوی ندیده‌ام. او بهترین جانشین برای مدیران قبلی هنرستان موسیقی بود. با مدیریت او سر نوشت موسیقی ایران عوض شد. نام این تالار قبل از ردکی بود چرا شد وحدت نمی‌دانم؛ اما می‌شود همین الان نامش را دهلوی گذاشت. در دوران ساخت این تالار از کستری همان این تالار به نام ردکی بود اما امروز پیکر دهلوی اینجااست. بسیاری دهلوی را درک می‌کنند، برخلاف مدیرانی

که آخرین نت موسیقی زندگی پرافتخارش نواخته‌شد. یاد دهلوی در مراسم رهسپاری‌اش به خانه‌آبادی بر سر زبان‌ها بود. محمد سریر او را موسیقیدانی نامید که «بیش از ۶ دهه ستون استوار موسیقی ملی ایران» بود و «هبانی نوین موسیقی ایران را پی‌ریزی کرد.» محمد اسماعیلی، نوازنده پیشکسوت تنبک نیز او را «عامل جان‌گرفتن موسیقی ملی ایران» خواند. کامبیز روشن‌روان به بی‌مهری‌هایی که در حق دهلوی و نسل دهلوی روا شد،

موسیقی این مرز و بوم تقدیم کرده بود. دیروز خیلی‌ها برای وداع با حسین دهلوی آمده بودند؛ هنرمندانی چون علی علیزاده، شهرام صارمی، محمد سریر، هوشنگ کامکار، حمیدرضا نوربخش، پری ملکی، مرزا انصاری، سیمون آیوازیان، داریوش پرنیاکان، بیژن بیژنی، بیژن کامکار و بی‌شمار هنرآفرین دیگر در کنار مدیران دولتی برای وداع با مردی که در بیش از ۹ دهه زندگی خود با موسیقی و در هوای موسیقی زیست تا همین چند روز پیش

برگزاری مراسم تشییع پیکر حسین دهلوی
از صحنه به خاک

شهروند | دیروز تالار وحدت که شاید از این پس تالار دهلوی نام گیرد، میزبان مراسم تشییع پیکر حسین دهلوی بود. مراسمی برای وداع با هنرمندی که از چهره‌های ماندگار هنر ایران زمین بود؛ وداعی که پای هنرمندان و مدیران پرشمار را به تالاری باز کرده بود که زنده‌یاد حسین دهلوی در آنجا اجراهای ماندگار پرشمار را به تاریخ

که در کش نکردند. «در آخر اما نوبت کسی بود که به حق از دست‌دادن پدر بدترین روز زندگی‌اش بوده است. هومن دهلوی، پسر مرحوم دهلوی، گفت: امروز تلخ‌ترین روز زندگی ماست؛ چون نه تنها در سوگ پدر، بلکه در سوگ هنرمندی جامع‌الشرایط نستنه‌ایم که سعی در پرکردن تمام خلأهای موسیقی داشت. به یاد دارم مایسترو علی رهبری درباره پدر می‌گفت که دقت او گاهی از موتسارت، آهنگساز مطرح اتریشی هم بیشتر بود.